

پمپاژ پول بزرگ در بورس کوچک!

نباید بگذاریم نقدینگی به بازارهای غیر مولد ارز و طلا ورود کند و بورس حیاتی‌نیست،این جمله وزیر اقتصاد است و شاید تا حدودی درست باشد،اما سخن اینجاست که چرا وقتی رشدی در اقتصاد وجود ندارد در یکسال حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی جدید خلق می‌شود و چرا باید بازار سرمایه کوچک و کم‌عمق اقتصاد ایران که پذیرای کمتر از ۹۰۰شرکت است،طعم نقدینگی جدید را بچشد که این سیاست امتیازی ویژه برای دارندگان سهام این شرکت‌ها می‌باشد.

همانطور که می‌دانیم در رکود اقتصادی نقدینگی زیادی توسط سیستم بانکی خلق شده‌است،علتش هر چه هست کاهش ارزش ریال اگر چه به زیان عمده مردم است ولی هدایت این نقدینگی،نتور بازار سهام را خوب داغ کرده‌است،زیرا سهام محدود است و نقدینگی هر روز در حال ازدیاد و همین رویداد سهامداران را در زمره نروتمندان قرار داده‌است. چون مجموع تعداد شرکت‌های حاضر در بازار به ۹۰۰ شرکت هم نمی‌رسد و سهام در بازار محدود است قیمت سهام شرکت‌ها را به شدت بالا برده‌است و این رویداد تا جایی ادامه یافته که عده‌ای می‌گویند عامل مسلط بر رشد هر روزه بازار روند نقدینگی است و بیس و مشخص نیست نقدینگی ورودی به توسعه بنگاه‌ها و اجرای پروژه بینجامد،زیرا امکان دارد نقدینگی روزی از بازار خارج شود.

برخی معتقدند چاره‌ای نیست و مدیریت نظام بانکی و سیاستگذار اقتصاد نشان داده‌اند که یا توانایی توقف رشد بدون پشتوانه نقدینگی را ندارند یا اینکه شرکت‌ها برای روی پا ماندن نیازمند تسهیلاتی هستند که باید از طریق همین نظام بانکی معیوب تأمین شود از این‌رو نه می‌توان جلو دار نرخ بهره در رقمی بود و نه رشد دو رقمی حجم نقدینگی. بدین ترتیب بهتر است برای مهار اثر تورمی نقدینگی، پول به بازاری چون سرمایه هدایت شود.

تا اینجا سخن را اگر بپذیریم باید گفت هدایت نقدینگی به بازار سهام خوب است،اما اینکه مابه‌ازای صدها میلیارد تومان نقدینگی که به بازار ورود کرده‌است، نباید شرکت، سهام و محصول مالی جدید در بازار ارائه کرد تا قیمت سهام محدود موجود در بازار به شکل حیابی و شاریبی جهش نکند.

بحث این است که فرصت برای عرضه اولیه صدها شرکت در بازار سرمایه از دست رفت و به همین جهت عده‌ای عموماً به دلیل پمپاژ نقدینگی به بازار کوچک و کم‌عمق سرمایه ارزش‌داریی شان به‌طور میانگین در یکسال بیش از ۲۰۰درصد جهش کرد.

به نظر می‌رسد مدیریت بخش پولی و مالی باید در ابتدا باید جلوی خلق نقدینگی بدون پشتوانه پول را بگیرد و سپس دامنه نوسان و حجم مینا با توجه به رشد تورم و حجم نقدینگی در بازار و اقتصاد تغییر یابد و به سرعت مقدمات عرضه اولیه دهها شرکت در بازار فراهم آید تا هر روز بدون اینکه اتفاق مثبتی در شرکت‌ها و تولید افتاده‌باشد شاهد افزایش ارزش سهامشان تنها به دلیل ورود پول به بازار نباشیم. همچنین تمامی بازارها نیز به جریان نقدینگی دارند و نمی‌شود با سرکوب قیمت در سایر بازارها به شکل نوبتی یک بازار در را بورس نگه داشت. امید است با توسعه کیفی و کمی بازار سرمایه شاهد اگر قرار است پول به شکل دستوری به این بازار تزریق شود،حاشا اجرای پروژه‌های سودآور و اشتغالزا در شرکت‌های حاضر در بازار باشیم و نه فقط افزایش قیمت سهام.

گزیده خبر

خصوصی‌سازی در صنعت خودرو اسیر دیوانسالاری

منصور معظمی، معاون سابق وزیر صمت، با بیان اینکه خصوصی‌سازی یک ضرورت است که باید در صنعت خودرو هر چه زودتر رخ دهد، گفت: متأسفانه یکی از موانع این امر دیوان‌سالاری در درون شرکت‌های خودروسازی است.

وی در گفت‌وگو با خط بازار در تبیین این دیوان‌سالاری گفت: وقتی که در زیرمجموعه شرکت‌های ایران خودرو و سایپا دهها شرکت وجود دارد که هر کدام سه تا پنج عضو هیئت‌مدیره دارد، خود این افراد گاهی عملی می‌شوند که اجازه ادغام، واگذاری یا انحلال نمی‌دهند.

مغظمی گفت: مسلماً هرگونه حرکت ساختاری از دولتی به بخش خصوصی منافع چنین افرادی را با خطر روبرو می‌کند.بنابراین اولین اقدام برای آمادگی شرکت‌های خودروسازی به منظور واگذاری به بخش خصوصی، ادغام یا انحلال شرکت‌های زیرمجموعه است.

رئیس سابق سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با بیان اینکه چه دلیلی دارد، شرکت خودروسازی صاحب‌بانک، شرکت ساختمان‌سازی، لیزینگ، آژانس هواپیمایی، هریسند، تصریح کرد: در خصوص خروج خودروسازی از این فعالیت‌ها در سال‌های گذشته برنامه‌ریزی شد، ولی به آن عمل نشد.

مغظمی نقش مدیران عامل دو شرکت خودروسازی را در پیشبرد خصوصی‌سازی و واگذاری بسیاری مهم عنوان کرد و گفت: متأسفانه برخی از مدیران عامل در سال‌های گذشته علاقه‌ای به انجام این کارها نداشتند،بنابراین برنامه‌ها متوقف شد.

معاون سابق وزیر صمت با بیان اینکه بسیاری از شرکت‌های تابعه خودروسازی بی‌فایده، هزینه‌آور و غیرضروری است،گفت: در شرکت‌های خودروسازی دنیا چنین مسائلی کمتر دیده‌می‌شود.

مغظمی تصریح کرد: یکی از عوامل مهمی که می‌تواند به رشد صنعت خودرو کمک کند، واگذاری این صنعت به اهل آن است که قطعه‌ساز یکی از صاحبان اهلیت است.

رئیس انجمن واردکنندگان برنج:

تخصیص ارز به واردات برنج را شفاف کنید

رئیس انجمن واردکنندگان برنج با ارسال نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور از عدم تخصیص ارز به لیست‌های ارسالی واردات برنج به بانک مرکزی و عدم پاسخگویی شفاف از سوی وزارت صمت و بانک مرکزی انتقاد کرد.
به گزارش «تسنیم»، عباس توکلی رئیس انجمن واردکنندگان برنج با ارسال نامه‌ای به اسحاق جهانگیری معاون اول ریاست جمهوری با موضوع «عدم تخصیص ارز به محموله‌های برنج وارد شده در نیمه دوم سال ۹۸ و احتمال بروز بحران و تهدید بی‌پشتیبانی کشور» نوشت:
برنامه‌ریزی بخش خصوصی در شروع زمان واردات در نیمه دوم سال ۹۸ با اعتبار واردکنندگان، منجر به ورود ۵۰۰ هزار تن برنج به کشور شد، عرضه بخشی از آن به صورت ترخیص درصدی، تاکنون آramش بازار را حفظ کرده‌است.

با عدم تخصیص ارز به لیست‌های ارسالی به بانک مرکزی و عدم پاسخگویی شفاف از سوی وزارت صمت و بانک مرکزی، سلب شدن امکان ادامه واردات با اعتبار جهانی واردکنندگان، بازار برنج را با التهاب و افزایش قیمت مواجه می‌شود؛با توجه به نزدیکی شدن به پایان سال و ماه مبارک رمضان با بحران و تهدید جدی مواجه خواهیم شد. هرگونه تصمیم با توجه به منابع ارزی کشور و رفع بلاکلیفی می‌تواند به حفظ منافع ملی و امنیت غذایی کشور کمک کند.

چون

|روزنامه جوان| شماره ۵۸۸۴

اقتصاد

سرویس اقتصادی۸۸۴۹۸۴۳۳

بازگشت ۷ هزار میلیارد تومان به وزارت نفت

وزارت نفت طی ۶ سال اخیر، هیچ اراده‌ای برای گرفتن طلب خود از یک شرکت شبه‌دولتی نداشت اما سرانجام وزیر نفت در برابر خواسته نهادهای نظارتی تسلیم شد

پیام می‌دهد که باید این بدهی زودتر پرداخت شود،اما در یک اتفاق عجیب، وزیر نفت درخواست می‌کند اعضای هیئت‌مدیره NPC در دفتر وی جمع شوند تا با حضور وی تصمیم گرفته‌شود!

تاکید زنگنه برای برگزاری این جلسه در دفتر خود، خبر خوشی برای هلدینگ خلیج‌فارس بود تا باز هم مثل گذشته از پرداخت بدهی خود طفره برون‌داند، در این جلسه، ارائه مستندات و مدارکی که ثابت می‌کند هلدینگ باید بدهکاری خود را پرداخت کند موجب عصبانیت برخی می‌شود که منجر به چندبرکناری در شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌شود. با توجه به اینکه هلدینگ هیچ راهی جز پرداخت بدهی خود نداشت و همچنین ورود نهادهای بازرسی از جمله دیوان محاسبات سرانجام کار را به قرار دادی می‌رساند که هلدینگ خلیج‌فارس باید ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومان از بدهی‌اش را صاف کند.

■ یک سؤال آزار دهنده

در این میان سؤال اصلی آن است که چرا زنگنه طی شش سال اخیر حاضر به اخذبدهی‌های یک شرکت شبه‌دولتی به شرکت دولتی زیرمجموعه خود نشده‌بود و چرا در این اختلاف، حق را هلدینگ خلیج‌فارس می‌داد؟ در حالی که اووزیر دولت جمهوری اسلامی ایران است و باید منافع دولت و حاکمیت را تأمین کند و نه منافع یک شرکت شبه‌دولتی که از بسیار پولدار است!

شاید بتوان دلیل این مهم را در عزل و نصب‌های وی در هلدینگ جست‌وجو کرد؛جایی که در حال‌حاضر قانون یک بارنشنسته را از متروی تهران به پتروشیمی می‌آورد و وی را مدیرعامل بزرگ‌ترین شرکت پتروشیمی ایران می‌کند یا یکی از جوانان بی‌تجربه را به عضویت هیئت‌مدیره این شرکت منصوب می‌کند.

وضعیت این شرکت شبه‌دولتی به یمن مدیریت خاص زنگنه و مهره‌هایش به‌شدت به هم پیچیده‌است؛ خسارت‌های کلانی که این شرکت به شرکتسور وارد کرده، هم اکنون در سازمان بازرسی کل کشور در حال رسیدگی است از جمله گم شدن ۲۵۰۰ میلیارد تومان از پول شرکت‌های پتروشیمی که مشخص نیست چو بلایی بر سر آن آمده‌است.

با این حجم از اتفاقات بزرگ و سومدیریت‌ها، وزیر نفت همچنان به حمایت از آن مشغول است و اگر ورود نهادهای نظارتی به پرونده بدهی ۷ هزار میلیارد تومانی نبود، مشخص نبود چه کسی می‌توانست زنگنه را مجبور به تأمین منافع نظام کند!

مجبور به تسویه

چند روز پیش بود که هیئت‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی به هلدینگ خلیج‌فارس

۱۹ درصد سهام این شرکت به شرکت ملی صنایع

پتروشیمی تعلق دارد و مابقی در اختیار نهادهایی مانند صندوق بازنشستگی نفت، شرکت نفت و گاز تأمین است.اعضای هیئت‌مدیره این شرکت همگی توسط وزیر نفت انتخاب می‌شوند، هرچه در ظاهر غیردولتی است. وزیر نفت همواره اطرافیان خود را در هیئت‌مدیره این شرکت به کار می‌گرفت که یکی از این افراد آیدین ختلان بود. ختلان،دستیار ویژه زنگنه است که از پیش از سال ۹۲ در دفتر انتشاراتی کار می‌کرده‌ولی به محض آنکه زنگنه شش سال پیش به وزارت می‌رسد،او نیز واردنفت می‌شود تا در بخش پتروشیمی فعالیت‌های منظر

وزیر نفت را در پیش بگیرد. زنگنه او را به عضویت در هیئت‌مدیره این شرکت غیردولتی در می‌آورد،اما چند ماه پیش بنا به درخواست برخی نهادهای مجبور به استعفا می‌شود تا وی از هلدینگ خارج شود. البته خروج وی چند ماهی طول کشید و چند روز پیش بود که او رسماً از این شرکت خارج شد.

هم‌زمان با این اتفاق، ماجرای بدهی هلدینگ به شرکت ملی صنایع پتروشیمی جدی‌تر شد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی یا NPC یک شرکت پتروشیمی که ظاهرآ صادر کردن محصول یا ارز گران به دهان آنها سزه کرده، حاضر نیستند کوره او ره کافی در اختیار کشاورزان قرار دهند. به گزارش «فارس»، مجری طرح گندم وزارت جهاد کشاورزی روز گذشته گفت: «کود اوره‌ای که شرکت‌های پتروشیمی در اختیار شرکت خدمات حمایتی بخش کشاورزی برای تولید در بین کشاورزان قرار می‌دهد، کافی نیست».

اسماعیل اسفندیاری پور افزود: «گندمکاران سراسر کشور بابت کمبود کود اوره اظهار نگرانی دارند و پتروشیمی‌های تولیدکننده اوره تأمین نیاز بخش کشاورزی را که امروزه نیاز مبرمی به این کود دارند را باید مورد توجه قرار دهند».

شرکت‌های پتروشیمی در طی سال جاری سه بار قیمت کود اوره را افزایش داده‌اند، به طوری که قیمت‌های فعلی نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد افزایش دارد. آن طور که مسئولان کشاورزی اعلام کردند شرکت‌های پتروشیمی تنها به افزایش قیمت نیز

کرونا ترمز خودرو را کشید!

برخوردار نیستند؛ بنابراین با وجود این شرایط انتظار می‌رفت قیمت خودرو در روزهای پایانی سال افزایشی باشد تا کاهش. اما فقط یک دلیل آن هم عقب‌نشینی خریداران خودرو و کاهش تقاضای خودرویی‌تر شدن تمامی پارامترهای مؤثر در افزایش قیمت خودرو را به دنبال آورد.

کریمی سنجری با بیان اینکه به هر حال شیوع ویروس کرونا نیز بسیاری از برنامه‌ریزی‌های معمول اجتماعی مردم را تغییر داده‌است، گفت: در شرایط فعلی مردم ترجیح می‌دهند به جهت مصون ماندن از عواقب خطر بیماری ناشی از ویروس، خود و خانواده خود را قرنطینه کنند. بر این اساس و برخلاف سال‌های گذشته، در خیابان‌های شهرها به ویژه کلاتشهرهایی نظیر تهران، خبری از ترافیک معمول روزهای پایانی سال نیست. گویی مردم در یک تصمیم درست و مطابق پروتکل‌های وزارت بهداشت تصمیم گرفته‌اند تعطیلات پیش روی روزوری را در خانه بمانند و از تردد در شهرها و مسافرت خودداری کنند. وی ادامه داد: به همین دلیل بازار خودرو نیز رونق روزهای ابتدایی اسفند خود را از دست داده‌است. در حالی که تا پیش از این تعداد منطقی بین عرضه و تقاضای خودرو به سمت کف تقاضا سنگینی می‌کرد، ویروس کرونا باعث شد سنگینی کف تغییر کند و این بار این فروشندگان خودرو هستند که مجبورند به ساز خریداران بقرصند

شرکت کاملاً دولتی است که از هلدینگ حدود ۷ هزار میلیارد تومان طلب داشت.اما مدیران سابق و فعلی پتروشیمی خلیج‌فارس، سعی داشتند با واسطه‌گری شخص وزیر نفت از تسویه این بدهی شانه خالی کنند.

جعفر ربیعی مدیرعامل هلدینگ خلیج‌فارس در جلسات مختلفی نسبت به این موضوع واکنش منفی نشان داد و وزیر نفت هم به جای آنکه طرفدار برگرداندن حقوق بیت‌المال باشد، به طرفداری از هلدینگ مشغول بود.

هلدینگ خلیج‌فارس که تنها در یک فقره، ۲۵۰۰ میلیارد تومان پول گمشده دارد و پرونده حجیمی در بازرسی کل کشور برای آن تشکیل شده، با بهانه کردن تحریم‌ها سعی در تعویق پرداخت بدهی‌های خود داشت تا مانند شش سال گذشته در حاشیه‌اش این قرار بگیرد. با این وجود، درگیر شدن رسانه‌ها با این پرونده و گزارش‌های پتروشیمی به مسئولان دولتی از آن مشغول است از جمله گم شدن ۲۵۰۰ میلیارد تومان از پول شرکت‌های پتروشیمی که مشخص نیست چو بلایی بر سر آن آمده‌است.

با این حجم از اتفاقات بزرگ و سومدیریت‌ها، وزیر نفت همچنان به حمایت از آن مشغول است و اگر ورود نهادهای نظارتی به پرونده بدهی ۷ هزار میلیارد تومانی نبود، مشخص نبود چه کسی می‌توانست زنگنه را مجبور به تأمین منافع نظام کند!

کمبود کود شیمیایی در دسر ساز می‌شود

شوخی خطرناک با امنیت غذایی کشور

بسنده نکرده، بلکه از ابتدای تیرماه تحویل کود اوره به کشاورزان را

متوقف کرده بودند، به طوری که قیمت هر کیسه کود اوره در بازارها به ۱۰۰ هزار تومان رسید. این قیمت آنچنان بالااست که کشاورز خرده‌پا هیچ علاقه‌ای به خرید آن ندارد، نتیجه آن خواهد بود که

تولید محصولش کاهش خواهد یافت و اگر مجموع این کاهش‌ها را در ۲/۵ میلیون بهربردار کشاورزی محاسبه کنیم، ضربه بسیار سختی به تولید کشاورزی و همچنین اقتصاد وارد خواهد شد.

طبق گفته کارشناسان، ظاهرآ درد پتروشیمی‌ها پول است. آنها می‌خواهند به همان قیمتی که صادرات برای آنها صرفه دارد، به همان اندازه از عرضه آن به داخل نیز سود ببرند.

سالانه ۴/۵ میلیون تن کود اوره در پتروشیمی‌های کشور تولید می‌شود که از این میزان ۲ تن در داخل مصرف می‌شود و مابقی به کشورهای دیگر صادر می‌شود. بنابراین در شرایطی که نیاز مبرم به این نهاده اصلی در کشور وجود دارد، بسیار جالب است که پتروشیمی‌ها سربازان تأمین‌کننده امنیت غذایی را بدون سلاح

مهران ابراهیمیان

تحریک تقاضا یا حبس منابع؟

سال ۱۳۹۹ از خیلی جهات دارای ویژگی‌های منحصر به فردی در طول تاریخ اقتصادی ایران است. شرایط سخت در کسب درآمدهای خارجی و نبود تقاضای داخلی حرکت اقتصاد را از آنچه هست کندتر می‌کند و ما ناگزیر به تصمیمات جدیدی هستیم که لایذ منشأ و مبدأ آن باید مجلس باشد. نمایندگان که بعد از بازگشایی دور جدید مجلس به سر کار خواهند رفت باید بدانند که علاوه بر عقب‌ماندگی‌های تعطیلی ناشی از کرونا و آثار مشهود آن که در بازار شب عید کاملاً مشهود است،تقاضای خارجی نیز در سال بعد از دو محل کاهش فروش و درآمدهای نفتی و کاهش قیمت‌های کالا‌های صادراتی (در اثر رکود قابل پیش‌بینی در جهان) در سال آینده بسیار محتمل و جدی است،بنابراین تقاضای داخلی نیز علاوه بر مصیبت کرونا، کاهش قدرت خرید آحاد مردم و خود دولت در عمل کاهش چشمگیری خواهد داشت.

از سوی دیگر بخشی از جامعه که از رشد نقدینگی ذینفع می‌شوند،به دنبال کاهش قیمت تقاضا سعی در بهم‌زدن بازارهایی خواهند بود که ضربه نقدشوندگی آنها بالا باشد. (منظور از ضربه نقدشوندگی این است که با چه سرعتی می‌توان یک دارایی با سهام را به قیمت واقعی در بازار فروخت. هرچه سرعت این نقدشوندگی بالا باشد بهتر است) و در صورت عدم برنامه‌ریزی صحیح دهک‌های پایین‌تر را با خود همراه کرده یا آثار تورمی و گرانی را به آنها تحمیل می‌کنند.

در چنین شرایطی نامعادله رکود تورمی ناشی از محل کاهش تقاضا عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود. که نقش قانونگذاران و دولت در سال بعد بسیار برنگ‌تر از تمام سال‌های قبل و حتی در دوران جنگ تحمیلی خواهد بود. دولت با چنین فضایی در اتمسفر اقتصادی کشور باید دو تصمیم کاملاً متفاوت را در بخش‌های مختلف و متناسب با نوع بازارها اتخاذ کند که هر دو مورد این تصمیمات در کشور ما از موده شده و به دلیل اجرای نادرست آن تبعات سنگینی هم داشته‌است.

نخست آنکه نقدینگی را بانرخ‌های سود بالاتر یا اوراق بدهی بانرخ سود بالاتر از سودهای بانکی عرضه کرد و در عین حال به تحرک تقاضا در بازارهایی مشخص به شکلی هدفمند مبادرت بورزد.

تجربه فعلی بازار سرمایه نشان می‌دهد که اگر برای این بازار ساماندهی درستی صورت بگیرد،می‌تواند به مامن بهتر و مناسب‌تری از بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری تبدیل شود. به خصوص که تأمین سرمایه از این محل امکان تحرک بخش‌هایی از اقتصاد را در جهت عرضه و تولید بیشتر محقق خواهد کرد. به عبارت بهتر در بخش جذب پس‌اندازها و سرمایه‌های موجود می‌توان با بازارسازی منطقی و عرضه‌های مناسب شرکت‌های دولتی با یک تیر چند نشان زد. در عین حال در بخش تقاضا و تحرک خرید تولیدات داخلی نیز باید در تنوع‌سازی تسهیلات و شرایط بانکی تسریع به عمل آورد وگرنه چنانچه برای این نوع تولیدات تمهیدات لازم دیده نشود،تقاضاهامحدود به کالاهای اساسی‌شده میل به بازارهای ارز و طلا و سکه بیشتر خواهد شد و در نتیجه بسیاری از کالاهای تولیدی که جزو کالاهای اساسی به شمار نمی‌روند (کالاهای اساسی، کالاهایی هستند که در هر صورت و حتی کاهش حقوق یا کاهش قدرت خرید،باز هم خریداری می‌شوند) بدون تقاضا خواهد ماند. این بی‌تقاضایی به معنا افزایش قیمت‌شده‌است کالا برای عرضه‌کننده و گرانی‌های مرکب بی‌مشتری و ورشکستگی مولدان خواهد شد.

خبر کوتاه

شرط تعویق ۳ ماهه سر رسید اقساط وام‌ها

تعویق ۳ ماهه سر رسید اقساط تسهیلات قرض الحسنه و افراد خاص مشروط به آن است که بدهی آنها تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ طبقه جاری قرار داشته باشد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در جلسه روز گذشته شورای پول و اعتبار مقرر شد:

الف: با توجه به مشکلات حادث شده برای صاحبان کسب و کارها به ویژه کسب و کارهای کوچک که به دلیل شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا متضرر شده و با مشکلات مالی مواجه شده‌اند و باهدف مساعدت و حمایت از صاحبان کسب و کارها(اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) که مصدق آن در مصوبه دولت محترم تعیین خواهد شد، اقساط تسهیلات آنها و نیز اقساط قرض الحسنه کلیه اشخاص طی ماه‌های اسفند ۱۳۹۸، فروردین ۱۳۹۹ و اردیبهشت ۱۳۹۹ سر رسید می‌شود و به دلیل شرایط به‌وجود آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا قادر به بازپرداخت وام و تسهیلات یا اقساط تسهیلات و وام خود در مواعد مقرر نشده منوط به آن که بدهی آنها تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ در طبقه جاری قرار داشته باشد، می‌توانند اقساط سه ماه مذکور را پس از پایان دوره بازپرداخت اقساط پرداخت نمایند. همچنین درمورد تسهیلاتی که بازپرداخت آنها به صورت دفعی بوده و سر رسید آنها در بازه زمانی یادشده قرار دارند مهلت سه ماهه داده می‌شود تا در سه ماه از سر رسید مهلت(مبلغ)تأمین آن‌ها را بازپرداخت نمایند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند در صورت تسلیم بدوام گیرندگان و تسهیلات‌گیرندگان موضوع بند(الف) به واسطه تمهیدات یادشده، در دوره مذکور مشمول شرایط یمه(مبلغ)تأمین نرخ و وجه التزام تأخیر تأدییه دین و نرخ سود مندرج در قرارداد) و کارمزد اضافی نمی‌شوند.

ج: چنانچه مطالبات مشمول مفاد این مصوبه، در بازه زمانی مذکور، در طبقات غیر جاری طبقه‌بندی گردد، مشتری یادشده بابت مطالبات مذکور، مشمول ممنوعیت‌های ناظر بر اشخاص دارای بدهی غیر جاری نمی‌شود.

شرکت مدیریت ترنج ایران

شرکت آب متفزی یزد

شرکت مدیریت ترنج ایران

شرکت آب متفزی یزد

شرکت مدیریت ترنج ایران

شرکت آب متفزی یزد

۱. مرمت و توسعه سوله ایستگاه پمپاژ ۲. تأمین و نصب ملزومات سه ایستگاه حفاظت کاتدیک

ردیف	موضوع	شماره فراخوان	سپرده شرکت در مناقصه(ریال)	گواهی صلاحیت
۱	مرمت و توسعه سوله بهره برداری ایستگاه پمپاژ شماره ۲	۲۰۹۸۰۰۱۰۷۴۰۰۰۰۱۰	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	شرکت های بیمانکاری دارای صلاحیت معتبر در رشته آب یا ابنیه
۲	تأمین و نصب ملزومات سه ایستگاه حفاظت کاتدیک	۲۰۹۸۰۰۱۰۷۴۰۰۰۰۰۱۱	۲۲۵,۰۰۰,۰۰۰	

– تاریخ انتشار فراخوان در سامانه: روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

– مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

– مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۲:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

– زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه:

کارفرما: ۰۲۰-۳۲۲۵۸۰۲۰ (داخلی ۳۶۵) دفتر قراردادها: ۰۲۷-۳۲۲۵۸۰۳۵

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

مدیریت قراردادهای شرکت